

شماره نخست  
شماره اول  
آبان ۱۴۰۰

يا ايها الذين امنوا اصبروا وصابروا و رابطوا و اتقوا الله



جامعه اسلامی دانشجویان  
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

# سخن سردبیر:

بسم الله الرحمن الرحيم. خدمت همه دانشجویان محترم سلام، قبل از شروع صحبت‌م اجازه دهید یک مقدمه ای بگویم و آن اینکه، انسان معمولاً فراموش‌کار است و گذر زمان و تغییرات تدریجی را متوجه نمی‌شود، به همین خاطر باید هر از گاهی یک تلنگری داشته باشد، حالا یا خودش به خودش یا دوستش به خودش یا دیگران تا متوجه این گذر زمان و تمام شدن فرصت بشود.

نشریه ای که هم اکنون می‌خوانید اولین شماره از نشریه تلنگر است. این نشریه متعلق به تشکل جامعه اسلامی دانشجویان دانشکده مدیریت و البته همه دانشجویان مسلمان و دغدغه‌مند در دانشکده است که می‌توانند در آن بنویسند. در این نشریه به گذر زمان به انحرافات به کمبود ها و کاستی‌ها و به هر آنجکه به دانشجو بودن و مسلمان بودن دانشجو لطمه می‌زند تلنگر

خواهیم زد؛

بسم الله الرحمن الرحيم.

صاحب امتیاز:

جامعه اسلامی دانشجویان  
دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

مدیر مسئول:

اسماعیل محسنی

سردبیر: اسماعیل محسنی

هیئت تحریریه:

اسماعیل محسنی

سید محمد صالح بلوری

محمد هادی بیات

فهرست:

۱. دانشگاه تهدید یا فرصت

۲. جسارتی در وادی Bio

۳. بستگی دارد شما کی باشید!

۴. چطور از نو شروع کنیم

۵. یادی از حاج قاسم



جهت عضویت در  
کانال تلگرام کد QR  
را اسکن کنید

telegram:@mngjad



# دانشگاه تعهد یا فرصه

آنچه بهتر است از دانشگاه بدانید

سید محمد صالح بلوری



سرراسه می روم سر اصل مطلب. در دانشگاه چه چیز را از دسه می دهید؟ پاسخ مثل آینده روشن است: زمان، بله زمان، شما زمان را در دانشگاه از دسه می دهید؛ آن هم حداقل یک زمان ۴ ساله، فکرش را بکن! ۴ سال را سر اغلب مسایل سرمایه گذاری کنی به نتیجه می رسی! اچی میدانم سر ورزش سر صحت سر اغلب مهارت ها. پس اگر می خواهید دانشگاه را فرصتی کنید برای پیشرفت و نه تعهدی برای شکست خوب گوش دهید. از دوران دانشگاه چند چیز را بردارید! اول اینکه در درس هایی که قرار است پاس کنید خوب مسلط و عمیق شوید این کار چند فایده دارد: اول اینکه وقتی به پایان کارشناسی رسیدید دقیقا می دانید در چه رشته ای می خواهید دانشگاه را ادامه دهید، دوم اینکه حتی اگر نخواستید دانشگاه را ادامه دهید شما یک فرد با معلومات بالا برای ورود به کار هستید که صرفا باید کمی تجربه کسب کنید و سوم اینکه معدل خوبی کسب می کنید که اگر در آینده قصد استاد شدن در دانشگاه را داشته باشید خیلی به کارتان می آید. دومین چیزی که از دوران دانشجویی باید داشته باشید خودسازی است خودسازی یعنی چی؟ یعنی در مثلث کلاس سلف خوابگاه گیر نکنید یعنی در مثلث کلاس سر سفره رختخواب گیر نکنید یعنی افق دیدتان صرفا رسیدن به یک شغل یا ثروت نباشد. افق دید یک دانشجوی مسلمان صرفا امرار معاش نیست، افق دیدش حل مشکلات پیچیده و بزرگ کشور و مسلمین هست، افق دیدش گسترش آن افکاری است که مله ها را از ستم استعمار که امروز به شکل های جدید و جذابی ظهور کرده است رها کند. افق دیدش گسترش اراده خداست که همان صلح و امنیت و استقلال و آزادی و رستگاری مله هاست. از لوازم چنین خودسازی ای که همه ابعاد انسان را در بر می گیرد، ورود به جمع های دانشجویی جوان پر شور اسلامی هست، که با انگیزه این اهداف را دنبال می کنند البته اگر این خودسازی اتفاق نیفتد، شاید آن شغل و ثروت هم حتی حاصل نشود! چرا که در دوران دانشجویی وقت های خالی زیادی دارید و اگر آن ها را با تلاش و خودسازی در جمع های دانشجویی سالم پر نکنید، آنوقت خطر های زیادی متوجه شماست. برای اینکه این دو چیز یعنی علم عمیق و خودسازی را فراموش نکنید دائما خودتان را واری و محاسبه کنید.

# جسارتی در وادی bio

## در بیوی دانشجویان چه می گذرد؟

اسماعیل محسنی

من هم می خواستم مقابل زورگویی بایستم اما تا وقتی کاوه آهنگر هست چرا جوکر؟ من هم می خواستم برای وطنم بجنگم اما تا وقتی حیسن فعمیده را دارم چرا سرباز رایان؟ من هم می خواستم اجازه ندهم بیگانگان برکشورند پتازند اما تا وقتی امام بود چرا گاندی؟ سرتان را درد نیورم آنچه مشخص بود بچه ها به دنبال مفاهیمی پاک و خوب اما با الگوهای اشتباه و یا کم ارزش تر از الگوهای خودمان بودند. چرا با وجود الگوهای بزرگ تر و با ارزش تر در دوران حال و گذشته خودمان داشتند چنین مفاهیمی را از دیگران قرض می گرفتند؟ با خودم گفتم اگر اینجا دوستی پیدا نکنم آیا فردای دانشگاه خواهم توانسم؟ یعنی فردا قرار است جامعه را چه الگوهای اداره کنند؟ تصمیم گرفتم با بچه ها همراه شوم و حتی اگر نتوانستم برای خود دوستانی پیدا کنم حداقل برای خود دوستانی بسازم...

حدود سه ماه و اندی از دانشگاه می گذشت، تقریباً اواخرترم بود. با بعضی بچه ها ارتباط هایی داشتم ولی با کسی طرح رفاقتی که چنگی به دل زند نریخته بودم؛ چرا که اغلب ادبیات و موضوع بحث بچه ها چیزی نبود که برایم جذاب باشد. یک شب در خوابگاه بودم که به ذهنم زد بیوی بچه ها را چک کنم تا حداقل شاید قدم جالبی برای شروع یک رفاقت بردارم. آنچه از بیو ها در خاطرمانده به شرح زیر است؟  
دال - ب نوشته بود: جذاب لعنتی [میم- کاف نوشته بود: آخرین سرباز رایان]، دال - میم نوشته بود: مبتلا به سیاست؛ گاندی شاید ولی چگوارا هرگز [کاف - جیم نوشته بود: برای یک سامورایی همه جا زین است]، دال - واو نوشته بود: هیچ وقت با یک جوکر شوخی نکن؛ چک کردن گروه که تمام شد دیدم باید از بین عده ای جذاب لعنتی سرباز سیاستمدار سامورایی جوکر یک دوست انتخاب کنم، در آن لحظه صفحه مجازی ام را باز کردم و در بیو خود نوشتم: [و خدایی که به شدت کافیس است] اصلاً من را چه به رفیق، همان هم کلاسی باشیم کفایت می کند. از آن شب چند مدتی گذشت، هر چه بیشتر با بچه ها فرصت صحبت پیدا می شد متوجه می شدم که چقدر دنبال مفاهیم پاک و والا و درستی هستند، من هم مثل آنها، من هم می خواستم شخص مشخصی مقاوم باشم اما تا وقتی مالک ورستم را داشتم چرا یک سامورایی؟ من هم می خواستم جذاب باشم اما تا وقتی جذابیت دانش و اخلاق هست، چرا جذابیت لعنتی؟



# بستگی دارد شما کی باشید!

پاسخی برای مجازی ماندن یا حضوری شدن

سید محمد صالح بلوری

برای کسی که امید دارد، عاداتش تحت کنترل خودش است، تنبلی نمی‌کند، و از امکاناتش بهره برداری می‌کند، چندان مهم نیست؛ با هر شرایطی، متناسب با آن برخورد می‌کند. سوال مهم مجازی یا حضوری بودن نیست! سوال مهم این است: شما چه کسی هستید؟

{ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا }



یک سوال: دانشگاه مجازی باشد بهتر است یا حضوری؟ فرض می‌کنیم که از مجازی بودن دانشگاه ناراحت اید و از اینکه فرصت حضور در بین دانشجویان و اساتید و آگرسهرستانی هستید فرصت بودن در پایتخت را از دست داده اید، عصبانی و رنجورید؛ همین جا صبر کنید. یک نظر سنجی بین دانشجویان برای ادامه مجازی بودن یا شروع حضوری شدن برگزار کنید به نظر تان کسانی به مجازی ادامه دادن رای خواهند داد؟ به، معلوم است که رای می دهند! سوال اینجاست! پس چرا آنها مجازی ماندن را می خواهند؟ شاید بخاطر بیماری راضی به حضور نیستند، شاید هم واکسن زده اند و ترسی ندارند اما در مجازی، زمانی را که مجبور بودند در دانشگاه سپری کنند، حال به کارهای دیگری می پردازند و در عوض در اوقات به اصطلاح بیهوشی، به امور دانشگاه برسند، هم دانشگاه را دارند و هم کارهای دیگرشان را! نمی خواهیم قضاوت کنم بین خوب بودن مجازی ماندن یا شروع حضوری شدن، این صرفاً یک مثال بود برای اینکه وارد بحث شویم. بحث این است: اتفاقات و رخدادهایی که اغلب درگیر آن می شوید را چگونه می بینید؟ چالش یا تهدید؟ قبول دارید با اتفاقاتی از این دست در آینده هم روبه رو خواهید شد؟ قبول دارید شما اگر منتظر اتفاقات و تصمیم های دیگران بمانید تا مسیر رشد خود را طی کنید، در آنها شکست و ناامیدی نصیب تان می شود؟ نه صرفاً برای این اتفاق؛ برای همه زندگی، شما به یک سری روحیاتی نیاز دارید تا هر موقعیتی را متناسب با شرایط خود مدیریت کنید. چند مورد را من نام می برم: اولاً امید را همیشه در خود زنده نگه دارید! فرمانده تا دندان مسلحی که امید برای پیروزی ندارد، حتی شاید با امکاناتش به جای پیشروی انتحار کند! دوم اینکه هیچ وقت فراموش نکنید مهم داشتن امکانات نیست، مهم بهره برداری از امکانات است. بعضی با آکاری کرده اند که خیلی با ۱۰۰۰ هم نتوانسته اند! سوم اینکه روحیه تنبلی را تا جایی که می توانید در خود کم رنگ کنید و در تعایب عادات خود را بشناسید، برای پیشرفت در خودتان عادات مطلوب ایجاد کنید و عادات غلط را ترک کنید. حال یک بار دیگر سوال می کنم! بهتر است دانشگاه حضوری باشد یا مجازی؟



# چطور از نو شروع کنیم

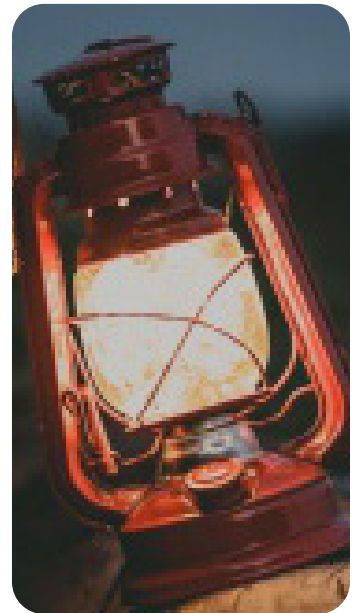
راهکارهایی برای رهایی از سردرگمی

محمد هادی بیات

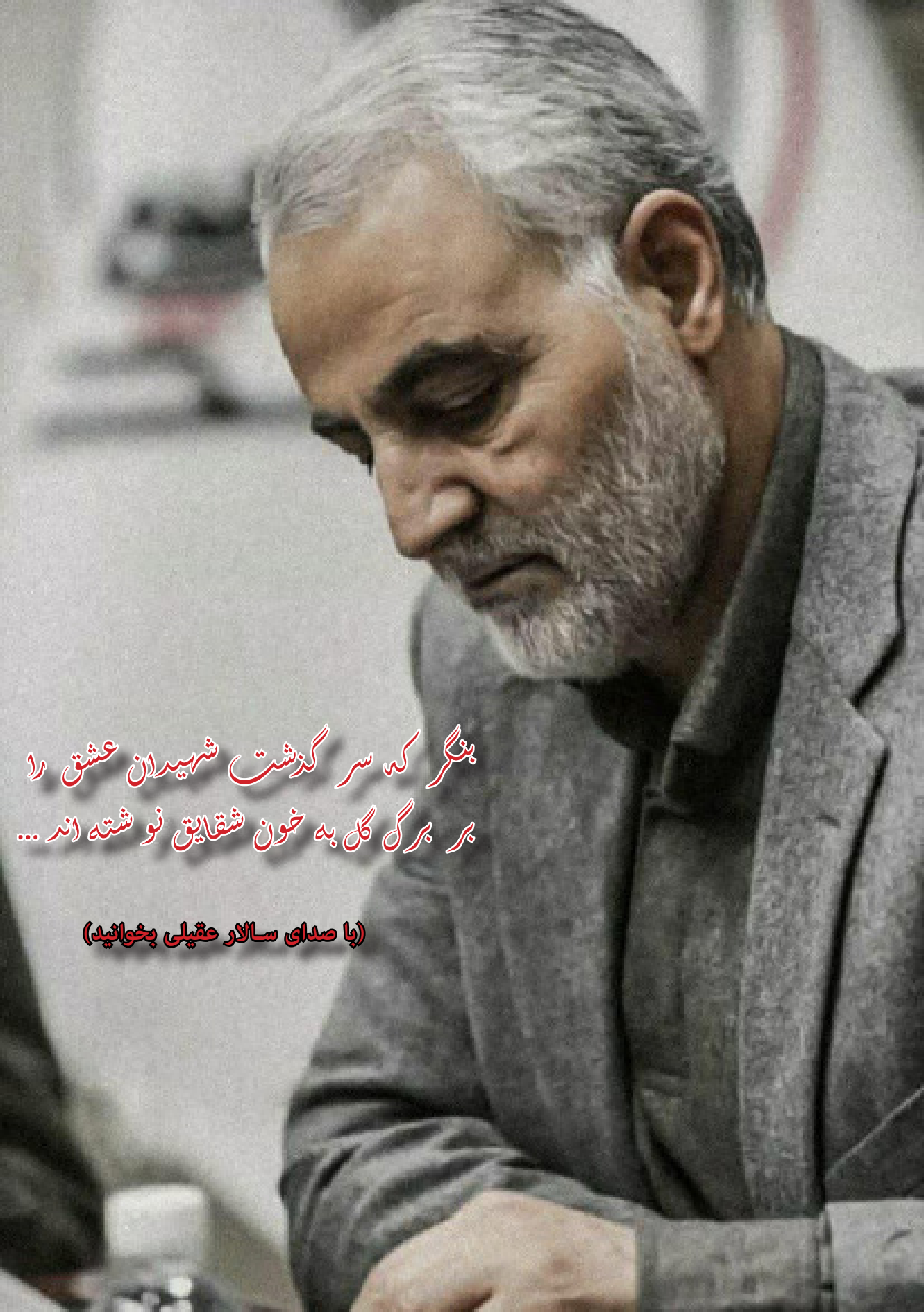
گر مرد رهی میان خون باید رفت  
وز پای فتاده سرنگون باید رفت  
تو پای به راه درنه و هیچ می پرس  
خود راه بگویدت که چون باید رفت

شما نمی دانید که باید فصل ۲ ریاضی ۱ را تمرین کنید؟ نمی دانید که باید به نرم افزارهایی نظیر اکسل و spss مسلط شوید؟ نمی دانید که باید قوانین مالیاتی کشور را بلد باشید؟ نمی دانید که باید تدریس جلسه سوم حسابداری صنعتی را تماشا کنید؟ چرا آنه تنها این ها را می دانید بلکه بیشتر از این ها را می دانید! فقط لازم است با توجه به شرایطی که در آن هستید بین کارهایی که می دانید باید انجام دهید یک اولویت بندی کنید و سپس به سراغ آنها بروید. بگذارید خیالتان را راحت کنم هیچ راه کاری برای فرار از عمل کردن نیست، پس سختی راه را قبول کنید! (چیزی که به دست آوردنش زحمتی نخواهد طبیعتاً ارزشی هم ندارد) این بار با هر عملی که به اولویت ها و باید های خود می کنید، قدم بعدی را مثل فانوس برای خود روشن می سازید. باور کنید با انجام دادن صرفاً همین کار های کوچک، به مرور مسیر اصلی را پیدا خواهید کرد و البته اعتماد به نفس لازم برای کار های بزرگ را به دست خواهید آورد. پس به جای ایستادن و نگاه کردن به تاریکی، قدم بردارید! البته در این مسیر می توانید روی کمک های دیگران مخصوصاً پدر و مادر و دوستان صمیمی مورد اعتماد حساب باز کنید. از مشاورین مورد اعتماد برنامه ریزی نیز می توانید استفاده کنید. از هم دانشگاهی های برتر دانشگاه سوال کنید و حتی از اساتید؛ همان طور که گفتیم راه برای شروع زیاد است فقط باید قدم برداشتن و پایدار ماندن را شروع کنید.

سر رشته زندگی از دست رفته، درگیر روزمره شده ام، نمی دانم از کجا شروع کنم، آینده برایم مبهم است، تا امیدم، در درس هایم عقب افتاده ام، چطور این وضعیت را اصلاح کنم؟ بگذارید یک مثال بزنم کسی را فرض کنید که در بین بیابانی بزرگ و آنهم در شب تاریک ایستاده است، فانوسی در دست دارد و فقط یک قدم را می تواند ببیند. بقیه بیابان برایش ظلمات است، تاریکی است، ترس است و وضعیت بدی است، درسه مثل وضعیت ما، اما اینکه خب فقط طرح مسئله بود پس چطور قرار است راه و مسیر را پیدا کند؟ پاسخ ساده و جالب است؛ بله یک قدم بیشتر از نمی تواند ببیند اما برای اینکه قدم های بعدی برایش روشن شود باید قدم بردارد. هر قدمی که بردارد قدم بعدی را می بیند. حالا بیایید شروع کنیم به تطبیق دادن >







بنگر که سر گذشت شهیدان عشق را  
هر برگ گل به خون شقایق نوشته اند...

(با صدای سالار عقیلی بخوانید)



جهت همکاری در نشریه

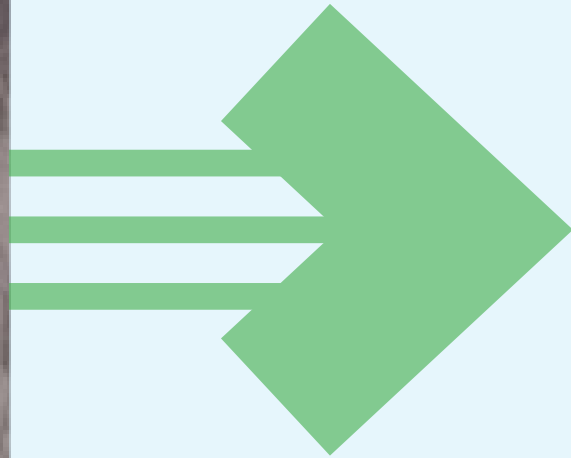
با شماره (۰۹۹۰۵۷۶۷۳۰۴)

یا

آیدی @Esmaeelmohseni

در ایستا و تلگرام ارتباط

بگیرید.....



جهت عضویت در کانال

کد QR را اسکن کنید

telegram:@mngjad